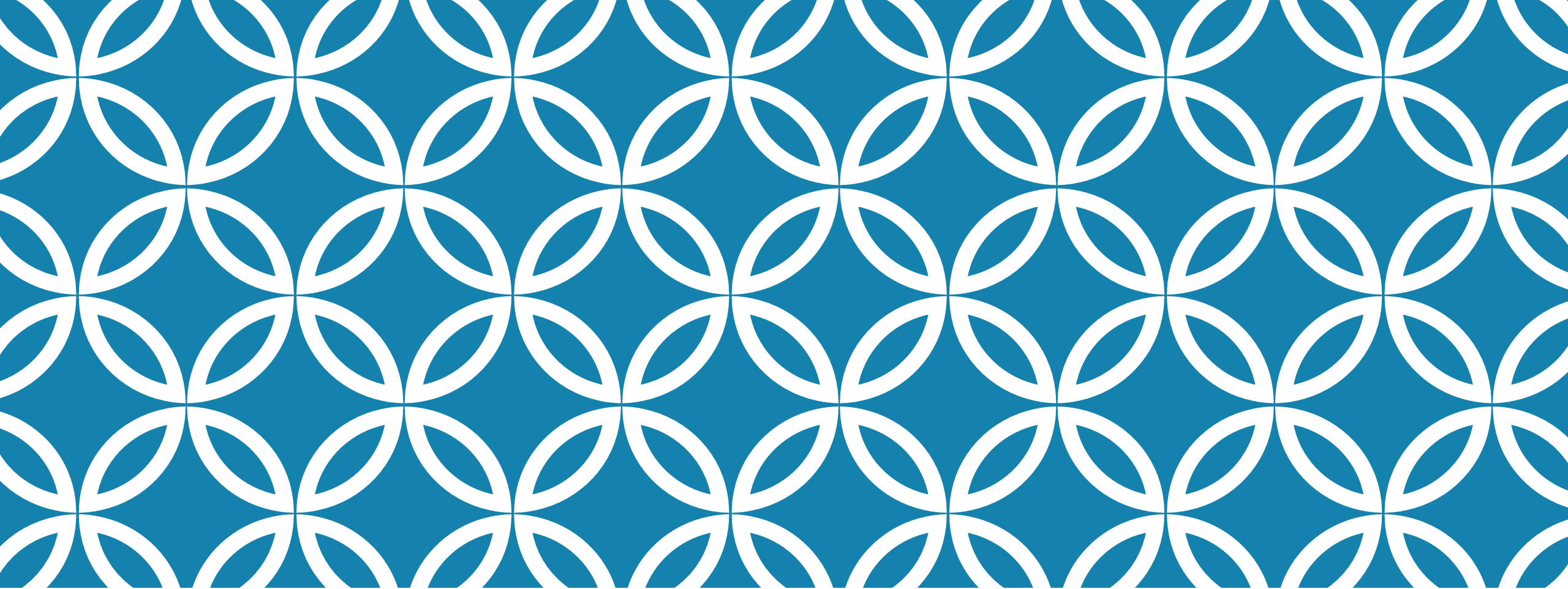




اسيانا

اندلس یا همان اسپانیای امروزی، حلقه میانی فرهنگ و هنر اسلام و غرب است.

حضور هشتصد ساله مسلمین در این سرزمین و به بار نشستن عمیق فرهنگ و هنر اسلامی، اسپانیا را به پلی میان دو تمدن بزرگ تبدیل نمود.

این تاثیر در دو محور قابل بررسی است:

یکی هنر مسیحیانی که تحت تسلط حکومت‌های اسلامی می‌زیستند.

و دیگری هنر اسلامی است که تحت تاثیر هنرهای متداول در سایر سرزمین‌های تحت حکومت اسلام در اسپانیا رواج یافت.



طی تسلط حکومت خاندان‌های مختلف اسلامی مستقر در اسپانیا برای گروهی از مسیحیان که در حفظ فرهنگ و هنر قومی خود می‌کوشیدند اما ناگزیر به پذیرش نفوذ فرهنگ و معماری اسلامی بودند هنری متداول شد که از سده هشتم تا یازدهم میلادی (دوم تا پنجم ه. ق) در کنار معماری و هنر اسلامی تحول می‌یافت.

این شیوه در سده 11 میلادی با نفوذ و رواج هنر رومی وار متروک ماند و از میان رفت.

عبدالرحمن آخرین بازمانده امویان بود که از کشتار عباسیان جان سالم به در برد.
(کشتار مختار) او به اسپانیا گریخت و در سال 138 هجری خلافت غربی اسلام را در
اسپانیا تاسیس کرد.

با بنیاد گرفتن سلسله امویه در اسپانیا این کشور از لحاظ قدرت و ثروت چیزی از بغداد
کم نداشت و برای مدت سه قرن یکی از بزرگترین مراکز هنرهای اسلامی شد.
شبه جزیره اسپانیا از قرن نهم تا یازدهم میلادی به دو قسمت مسلمان و مسیحی نشین
تقسیم شده بود.

نیمه جنوبی در قلمرو اسلام بود که تحت حکومت عبدالرحمن و جانشینان وی از
آرامش و رفاه بهره برده بودند

حکومت اسلام در اسپانیا مدتها طول کشید و انقراض آن بیش از آنکه نتیجه حملات خارجی باشد به سبب جنگهای داخلی بود.

عبدالرحمن از همان ابتدای خلافت این نکته را در ذهن اعراب جا انداخته بود که اسپانیا را وطن خود بشناسند و برای اینکه آنها را از خیال مکه منصرف سازد در شهر قرطبه که از حیث علوم تاج افتخاری بر سر همه شهرهای عالم بود و خلفا آنجا را پایتخت خود قرار دادند، مسجد کوردوبا را بنا نهاد که مقام و شهرتی عظیم یافت. بنای این مسجد بسیار حیرت انگیز بود و اسپانیا با داشتن شهرهای اسلامی زیبا و درخشش گنبدها و مناره ها، در قرن دهم میلادی متمدن ترین نقطه اروپا و معتبرترین دیار متمدن جهان بود.

والیان و خلیفگان مسلمان با روش مسالمت‌آمیزی که داشتند به مسیحیان اجازه می‌دادند که با رعایت پاره‌ای شرایط برای اجرای مراسم دینی خود پرستشگاه‌های مسیحی بسازند در نتیجه شیوه معماری و تزئینی توسط آن مسیحیان به وجود آمد، که آمیزه‌ای بود از **هنر عامیانه محلی و عناصر شکوهمند شیوه اسلامی**.

تاثیر این هنر و همچنین هنر و معماری اسلامی از سده ششم ه. ق (دوازدهم میلادی) که مسیحیان اسپانیا تدریجاً شروع به پس گرفتن ایلات خود از مسلمانان کردند، تا سده نهم ه. ق (پانزدهم میلادی) که آغاز دوران رنسانس اروپا بود در اسپانیا و پرتغال رواج یافت.

در معماری، اولین نمونه حضور مسلمانان در این بخش از دنیا مسجد جامع قرطبه است. مسجدی که یکی از معماری‌های شکوهمند جهان اسلام است و در سال ۱۶۸ هجری بنای آن توسط «عبدالرحمن» آغاز شده و توسط هشام فرزندش در سال ۱۷۷ هجری به پایان رسیده بود.

عبدالرحمان دوم به تقلید از همین مسجد عظیم، مسجد جامع اشبیلیه را بنا نمود و با توسعه قصر قرطبه و نیز کشیدن دو خیابان در دو کناره رود «وادی کبیر»، گردشگاه بسیار زیبایی برای قرطبه فراهم نمود.



مسجد کوردوبا

همچنین عبدالرحمن سوم (متوفی ۳۵۰ هجری ۹۶۱ میلادی) ملقب به «الناصر» پس از عبدالرحمن دوم، نقشی مهم و عظیم در فرهنگ و هنر اندلس دارد. یکی از مهمترین کارهای این حاکم، ساخت شهری تحت عنوان «الزهرا» (در سال ۳۲۴ هجری) بود.

به نقل ابن خلدون، ناصر، با فراخواندن معماران، هنرمندان، معبدسازان، خطاطان و نقاشان از سراسر اندلس، بغداد، مصر و حتی قسطنطنیه، شهری بسیار زیبا با بناهایی باشکوه بنا کرد.

یکی از شکوه‌مندترین این بناها **قصر الزهرا** و به ویژه تالار پذیرایی آن بود. باغ‌ها و پارک‌هایی که در الزهرا ساخته شد این شهر را به یکی از زیباترین شهرهای جهان تبدیل نمود.

تزئین هنری این قصر با نقش و نگار آیات قرآنی و گچ‌بری‌ها و نقاشی‌های هنرمندانه‌ای همراه بود که به تعبیری تا آن زمان، وهم و خیال هیچ بلندپروازی قادر به آفرینش نظیر آن نبود. در کنار قصر مسجد عظیمی نیز ساخته شد که یکی از بی‌نظیرترین معماری‌های اندلسی بود.





مسجد جامع قرطبه (کردوبا)

شاهکار هنر معماری اسلامی در اندلس، مسجد جامع قرطبه است. عبدالرحمن اول که در سالهای 138 - 172 در اندلس حکومت می کرد، در اواخر حکومت خود، این مسجد را بنا نهاد.

مورخان اسلامی این مسجد را کعبه مغرب می نامند.

در شرح و تعریف این مسجد می گویند عبدالرحمن خود معمار و مهندس مسجد بوده و قصد داشته بنای جدیدی را به طرح و نقشه مسجد دمشق ولی وسیع تر و عظیم تر و به آراستگی قبه الصخره در بیت المقدس درست کند.

بنای مسجد پس از 4 بار بازسای و توسعه پی در پی یگانگی کامل و ارزنده ای را در شیوه و سبک محفوظ داشته است.

وی قبل از اتمام ساختمان مسجد درگذشت و جانشینانش آن را تکمیل کردند. مسجد به شکل مستطیل است. مساحت صحن پوشیده مسجد 4886 متر مربع است. مساحت مسجد به انضمام صحن باز مسجد 12189 متر مربع است.

مسجد 1290 ستون از سنگ یشم یا سماق یا مرمر سفید و سیاه دارد که تا پشت محراب مانند یک جنگل ادامه دارند به طوری که بیننده را متحیر می کنند و این پندار به وجود می آید که مسجد پایانی ندارد.

مهندسی ساختمان مسجد، شاهکاری بس بزرگ است. سقف بلند مسجد بر ستونی به ارتفاع 9 متر و قطر 2/5 متر بنا شده است؛ در حالی که در آن عصر، ماهرترین مهندسان، قطر پایه های سنگی ساختمان را کم تر از چهارمتر قرار نمی دادند. طاقهای نیم دایره ای شکل، ستون ها را به هم پیوند داده است. هر دو نیم دایره، نیم دایره سوم را به هم ارتباط داده و سقف را مرتفع تر ساخته است.

این ستونهای مرمرین و صیقلی که بیشتر آنها از بناهای رومیان آورده شده بودند آن چنان بلند نبودند که بتوانند به سقف برسند و آن را نگاهدارند. معماران اسلامی راهی بس هوشمندانه پیش گرفتند و دو طاق کمانی بر بالای هم ساختند تا بر بلندی ستونها افزوده شود. در این طاقهای کمانی آجر سرخ و زرد کمرنگ در کنار هم به کار برده اند و طاقها را خط دار جلوه گر ساخته اند.

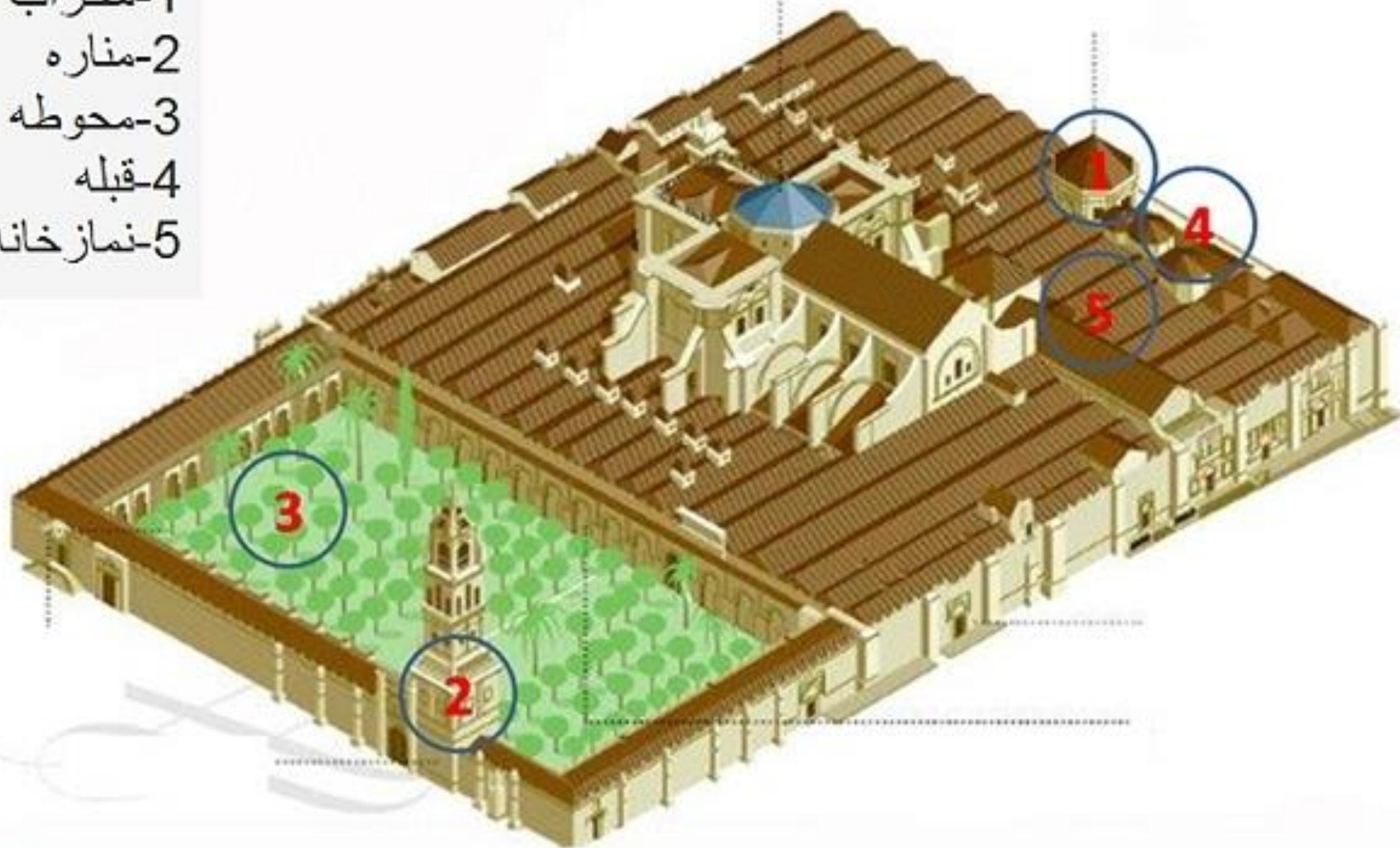
گوستاولوبون درباره این مسجد می نویسد:

«یکی از کیفیات مخصوص این مسجد، آن است که برای تعادل تناسب ارتفاع با عرض فوق العاده آن، ضرورت، معمار را مجبور ساخته طاق مسجد و شبستان را بر بالای دو ردیف ستونهای مطبق قرار دهد و از این ضرورت، منظره داخلی مسجد را فوق العاده بدیع و حیرت انگیز کرده و قبل از بنا، هیچ جای دیگر این نوع معماری دیده نشده و سابقه ندارد و همه نکته ظرافت معماری عربی در این مسجد، در ترتیب ساختمان هلالهای مطبق است که فاصله ستونها و طبقات مختلف را به همدیگر مربوط و مستحکم ساخته.»

شبها، 10000 آویز و شمعدانی مسی در مسجد جامع، فضای مسجد را روشن می کرد. محراب مسجد از بدیع ترین آثار معماری است. در بالای محراب، هفت قوس که طول هر کدام به اندازه قامت یک انسان است، به طور حیرت انگیزی روی ستونی استوار شده و در دو طرف محراب، چهار ستون قرار دارد.



- 1- محراب
- 2- مناره
- 3- محوطه
- 4- قبله
- 5- نماز خانه





FARS

استفاده از قوس‌های جفت و تصاویر بالای آن، طرحی ابداعی در معماری آن زمان به شمار می‌آمد، با استفاده از این نوع معماری سقف‌های مرتفع می‌توانند وزن زیاد بنا را تحمل کنند.

قوس‌های جفت شامل یک قوس نعل اسبی (پایینی) و یک قوس نیم دایره‌ای- بالایی- است، این بنا دارای طاق‌های تذهیب کاری شده با شکوهِی است، یکی از گنبد‌های مرکزی آن کاشی‌های آبی رنگی دارد که به شکل ستاره در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.



ارتفاع سقف شبستان از کف بنا تقریباً 10 متر است و این تناسب ارتفاع باعث شده که منظره داخل بنا تیرگی کلیساهای عظیم قدیم مانند کلیساهای قرون وسطی را نداشته باشد، بلکه طاقهای مطبق و دیگر عناصر معماری که برای تزئین فضای داخل شبستان به کار برده اند منظره ای بسیار زیبا و روح مخصوصی دارد که در کمتر بنایی نظیر آن دیده می شود.

محراب و مقصوره از زیباترین بخشهای مسجد است. محراب با موزاییک هایی با رگه های طلایی رنگ که در میان بقیه رنگها درخشش خاصی دارد، تزئین شده است.

پس از سقوط شهر قرطبه به دست مسیحیان، مسجد به کلیسا تبدیل شد و بسیاری از قسمتهای مسجد از بین رفت، ولی هنوز آیات قرآنی که بر روی سنگهای محراب، ستونها، طاقها و دیوارها حک شده، نمایان است

نمازخانه و محراب مسجد دارای چند گنبد است. در سال 340 ق مناره اولیه به دستور عبدالرحمن اول ویران شد و مناره کنونی در ضلع شمالی صحن و در کنار در اصلی بنا گردید. این مناره، مربع شکل است.





مناره «مسجد جامع» معروف به «مناره عبدالرحمن ناصر» از مناره‌های زیبایی است که دو راه پله با 107 پله دارد و در بالای آن سه سایبان که دو سایبان از طلا و یکی از نقره است، قرار گرفته و در بالای این سایبان‌ها نیز یک انار کوچک و سوسنی از طلا وجود دارد، این در حالی که اکنون اسپانیایی‌ها این مناره را تبدیل به ناقوس کلیسا کرده‌اند. مناره مسجد از نظر زیبایی و ارتفاع در آن روزگار بی نظیر بود و از سطح زمین چهل برابر قامت انسان متوسط القامه ارتفاع داشت.



ارتفاع مناره 20 متر بوده و نمای این مناره
از سنگ‌های مرمر منقش به نقش‌های
اسلامی است، در ضلع جنوبی مسجد مناره
دیگری به شکل مربع، به طول 12 متر و
ارتفاع 93 متر وجود دارد که متشکل از 5
طبقه است، در این مناره 19 در از جنس
مس محکم و یک گنبد قرار دارد که بر روی
365 ستون مرمری استوار است.





مسجد دارای 19 درگاه با طاق نمای هلالی بود. دره‌هایی که بر روی مسجد نصب شده است همه از چوب‌های قیمتی و روپوش شده از قطعات و صفحات فلزی منقوش است که شاهکار صنعت فلزسازی استادان ماهر و زیر دست وقت است و دقت آنها را نشان می‌دهد.

الحمرا

پیشینه اصل بنای الحمرا به سده ۱۳ میلادی برمیگردد، اما در واقع الحمرا مجموعه‌ای از چندین قصر است که هر حاکم، ویژه به خود بنا کرده است. ایده اصلی موجود در چند ساختمان این مجموعه، کوششهایی برای برای بوجود آوردن بهشت بر روی زمین بوده است.

در میان بسیاری کاخ‌ها برجامانده از معماری دوران اسلامی اسپانیا مشهورتر از همه کاخ مستحکم الحمرا یا مقر دژمانند و شکوهمند امیران مراکش گرانادا یا غرناطه معروف به سلسله بونصریان است.

بخش عمده این کاخ در سده هفتم هجری برپا شد. بناهای الحمراء نمونه بارز رشد هنر اسلامی مغربی در اسپانیا است. در این ساختمان ها سبک جدیدی به وجود آمد که بیشتر متأخر از آموزه های اسلام و شمال آفریقا بود و کمتر به خود اسپانیا مربوط می شد. یکی از ویژگی های بارز معماری الحمراء درون گرایی آن است. در الحمراء تزیینات درونی بسیار بیشتر از هیبت بیرونی است. این کاخ پُرزینت و مجلل در داخل دیواری دژمانند به رنگ قرمز بنا شده، که به همان سبب در زبان عرب «الحمراء» یا «جایگاه قرمز» نام گرفته است.



نقشه اصلی بنا نامنظم و گسترده، به طور عمده مشتمل است بر دو حیاط مستطیل شکل عمود بر هم که هر یک به ردیف هایی از ورودیها و سرسراها و اتاق ها راه می یابند. حیاط شیران که کوچکتر آن دو و دارای تزیینات بیشتر است، در طاقنماهای چهار جانبی که متناوباً بر تک ستونی ها و دو ستونی های ظریف با سرستون ها مزین به نقوش توربافت سوارند، محصور شده است، و قوسها از درون دالبری چند پرّه و سطح دیواره بالای آنها با گچبری راست خط های درهم تنیده و کتیبه های قرآنی زینت یافته است.

در مرکز حیاط حوضه ای سنگی سوار بر پشت پیکره شیر از سنگ تعبیه شده است. بر روی هم نمای بیرونی بین الحمراء ساده و تزیینات گوناگون آن به شیوه کاخ سازی بربرهای مراکش تعبیه شده است، که عبارتند از: کاشی کاری لعابی منقوش و هفت رنگ، گچبری فراوان به نقش توربافت یا با نقوش هندسی اسلامی و گل های گیاهی یا اسلیمی درهم بافته، کتیبه های حاشیه بندی شده قرآنی به خطوط کوفی و نسخ و ریحانی.

مسلمانان صحرانشین که آب برایشان از هر
گوهری ارزشمندتر بود، با کشیدن نهرهایی
از سرچشمه‌ها و جویبارها، باغهای کاخ را
با چشمه‌های رویایی، فواره‌ها و حوضهای
کم عمق و پر انعکاس تزیین کردند. صدای
زمزمه آب در سراسر باغها و حوض خانه‌ها
به گوش می‌رسد و کشف چشمه‌های کوچک،
لذت گشتن در باغ را صدچندان می‌کند





الحمرا شامل ۳ بخش است:
قصر سلطنتی، که مشهورترین بخش آن
است و خودش به سه قسمت: **بارگاه**،
شبستان و حرم سرا تقسیم شده است،
بخش‌های دیگر کاخ شامل **باغهای پلکانی** و
قلعه هستند

بارگاه بخشی از قصر سلطنتی بود، جایی که سلطان به امور روزانه مملکتی و تجاری رسیدگی می‌کرد. این قسمت از نظر تزیین و تجمّل به پای بخش‌های دیگر کاخ نمی‌رسد و در واقع از فضایی فروتنانه برخوردار است. جذابترین قسمت بارگاه، حیاط خلوت اتاق طلایی بود.

قسمت اعظم بخش شبستان در زمان سلطنت
یوسف اول در قرن ۱۴ انجام شده است و
دارای تزیینات بسیار زیاد بود تا برای
شرفیابی سفر او و مهمانان خاص مناسب باشد.
این بنا شامل مجموعه‌ای از اتاقها و
حیاطهای بسیار زیبا بود و یکی از مناظر
دیدنی آن حیاط گل پروانش با استخری که از
دو طرف با صفی از بوته‌های پروانش
احاطه شده بود، به شمار می‌رفت.





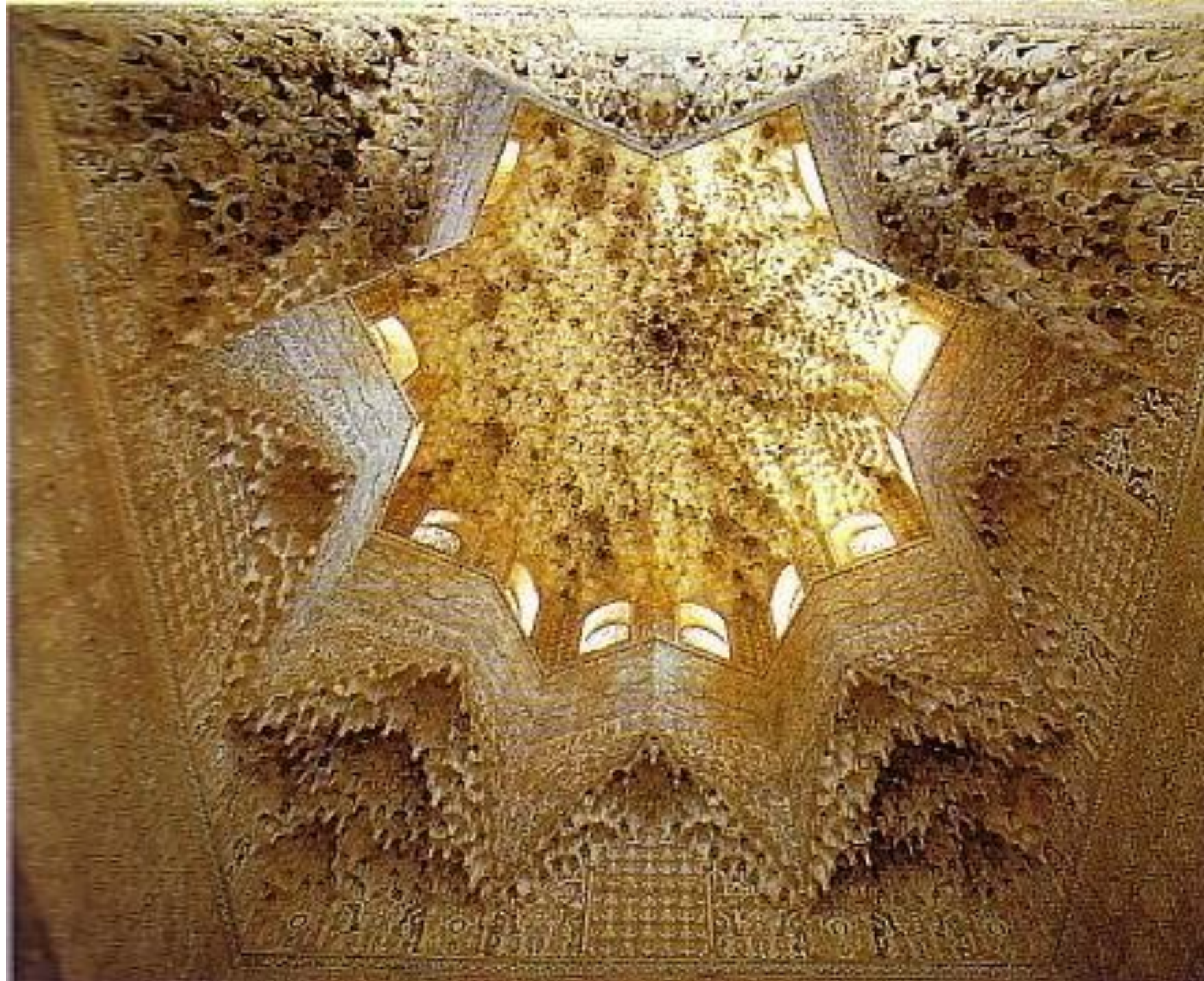
کمی جلوتر در برج به تالار سفیران میرسیم که
بزرگ‌ترین و شاید بهترین اتاق در تمام قصر
سلطنتی باشد. این تالار یک مربع کامل است و
یک گنبد بسیار زیبای چوبی دارد که به معنای
هفت طبقه آسمان است.

حرم کاخ الحمراء از حیاط شیران منشعب می‌شود
و شامل مجموعه‌ای از اتاقهای زیبا و یک حمام
است. در جنوب این سالن به تالار ابن سراج
میرسیم که دارای حیرت انگیزترین سقفها در کل
مجموعه است

سقف یک ۱۶ ضلعی است با تزئینات استالاکمیتی
است و توسط پنجره‌هایی که بر روی گنبد نصب
شده‌اند و نوری که بر روی آب چشمه کف
منعکس می‌شود، روشن می‌شود. سقف تالار دو
خواهر نیز بسیار شگفت انگیز است و از بیش از
۵۰۰۰ خانه لانه زنبوری ساخته شده است.













در تالار شاهان، به یک اثر نامتعارف هنری
برمی خوریم، که تمثالهایی زنده نمایانه از انسان
است که در دین اسلام حرام دانسته می شده.
سازنده این آثار به احتمال فراوان مسیحی بوده
است اما دستور ساخت آن را سلاطین دودمان
نصر صادر کرده بودند. حمامها آخرین قسمت با
اهمیت حرم هستند که نمی توان به آن داخل شد،
اما می توان درون آن را از میان پنجره تماشا
کرد

مدینه الزهرا

دومین اثر بزرگ معماری که در عصر دولت امویان اندلس بنا شده، مدینه الزهراء است که عبدالرحمن سوم و حَکَم دوم در سالهای 324 - 350 ق آن را بنا نهادند.

تزیین هنری این قصر با نقش و نگار آیات قرآنی و گچ‌بری‌ها و نقاشیهای هنرمندانه‌ای همراه بود که به تعبیری تا آن زمان، وهم و خیال هیچ بلندپروازی قادر به آفرینش نظیر آن نبود. در کنار قصر مسجد عظیمی نیز ساخته شد که یکی از بی‌نظیرترین معماری‌های اندلسی بود.

شهر الزهراء، پایتخت حاکمان اندلس بود. بعد از سقوط اندلس، الزهراء
رو به ویرانی نهاد. در سال 1910 م، باستان شناسان توانستند قسمتی از
شهر را از دل خاک بیورند.

بناهای داخل شهر در سه ردیف پلکانی شکل و با اختلاف سطح، پشت سر
هم قرار گرفته است.

ردیف اول به قصرهای خلیفه،

ردیف دوم به منزل درباریان و نگهبانان اختصاص داشت.

در ردیف سوم، تاکنون بقایای یک سالن بزرگ کشف شده است.

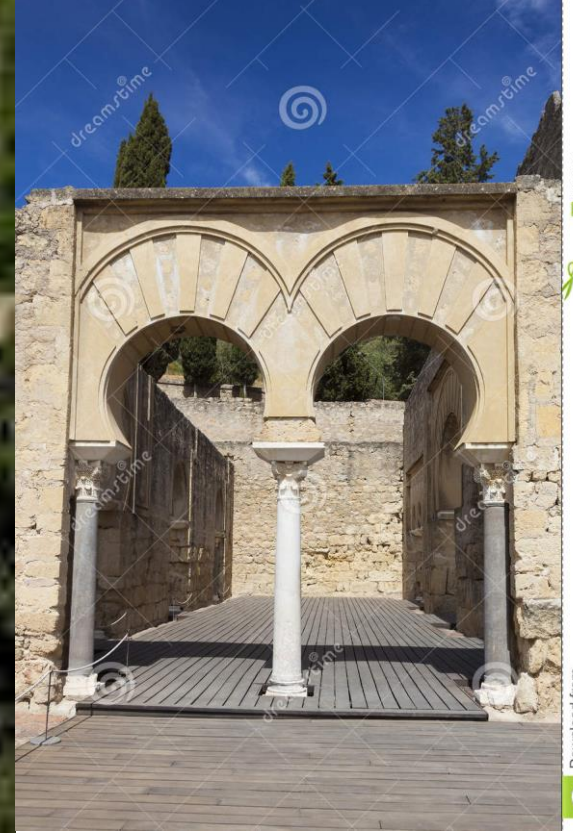
در ضلع شرقی حصار شهر، مسجدی است که مانند مسجد قرطبه از پنج ستون عمود بر دیوار قبله تشکیل شده است.

عناصر معماری و تزیینی در مسجد الزهراء با مسجد قرطبه یکی است؛ با این تفاوت که معماری اسلامی در مسجد الزهراء به اوج خود رسیده و کنده کاریهای آن به جای گچ، روی سنگ انجام شده که پدیده جدیدی در هنر معماری است. گوناگونی سبکها و نوآوری معماری مانند تعدد طبقات طاقها و مشبک و متقاطع بودن آنها و گنبد های چند ضلعی از ابتکارات معماری این مسجد است.





همچنین بدون تردید در کنار معماری، هنرهای دیگر اسلامی نیز در این سرزمین مؤثر افتادند. این تاثیر در رشته‌های مختلف هنری چون شهرسازی، معماری مساجد، کاخ‌ها، پارک‌ها و پل‌ها، ضرب سکه، خوشنویسی، زردوزی بر روی پارچه، نساجی و کاغذسازی، چشمگیر بود و در بطن خود دارای چنان روح زیباشناسانه و قدرتمندی بود که به همان صورت مورد تقلید اروپاییان قرار می‌گرفت.



همچنین نوعی از هنر که در دوران اسلامی در اسپانیا شکل گرفت و توسعه پیدا کرد تأثیر شگرفی در معرفی هنر اسلامی به اروپاییان و نفوذ آن در هنرهای مدرن سده‌های بعدی داشت.

هنرهای تزئینی اسلامی چون: بافندگی، کنده‌کاری روی فلز و عاج، سیم و زرکوبی روی مفرغ و فولاد با اسلوب معروف به «دمشقی» مانند ساختن، کلاه خودها و شمشیرهای گرانبها و به‌ویژه انواع کاشی‌سازی و سفال‌گری با رنگ‌های درخشان درهم بافته نیز شکوفان و مکتب ساز شد.



